

عرضی الله عنده عام الیوم که شهید شد **سینه رسول الله صلی الله علیه و آله**
وی گفته است که مرا ام سلمه رضی الله عنها آزاد کرد بشرط آنکه
با دام که رسول صلی الله علیه و آله در حیات باشد خدمت دی کنم
من گفتم و الله که اگر تو این شرط کنی تا زنده ام در خدمت وی
خوابم بود و در روایتی آمده است که وی ده سال خدمت کرد
از وی که رسیدند که نام تو چیست گفت من نام خود می گویم مرا رسول
صلی الله علیه و آله سفینه نام نهاده است پرسیدند که چرا ترا سفینه
نام نهاد فرمود که روزی رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب
بیرون آمدند مشاهده ای ایشان گران کرد رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که کسی خود را بکسر بکسر دم مشاهده ای همه را در آب نهاد
پس مرا کت بردار که تو سفینه اگر آن روز بر من بار کردندی بار
شتری و شتری و همچنین تا هفت بار بیشتر بر من گران نیاید و
از وی آرد که کت روزی در کشتی ششم کشتی بخت و من
بر تخت پادشاه بمانم مروج را بر پیشه انداخت که در آنجا نشستی
بود گفتم یا ابا الحارث هم سفینه ام مولای رسول صلی الله علیه و آله
سر خود را برسم تو اضع فرود آورد و بملوی خود را بر من می زد
و مرا بر راه دلالت می کرد چون بر راه رسیدم نرم نرم آوازی می کرد
دستم که مرا وداع می کند **حسن بن ثابت رضی الله عنده** از وی
آرد که چون جگر عسائی که بر تنه بود و بتیغ روم پیوسته و از

آل جفنه

سینه

آل جفنه عمه امیر المؤمنین عرضی الله عنده برای حسان رضی الله
عنه مدینه فرستاد امیر المؤمنین عرضی الله عنده حسان را طلبید چون
حسان رضی الله عنده بدر خانه امیر المؤمنین عرضی الله عنده رسید و بیستاد
و سلام کرد و گفت یا امیر المؤمنین درستی که من بوی عطا یا عا ل
جفنه می شنوم از نزدیکه تو امیر المؤمنین عرضی الله عنده گفت آری
ای حسان جگر عسائی برای تو چیزی فرستاده است راوی گفته است
که او آنکه من هرگز فراموش نمی کنم آن عجبی که از حسان دیدم که بوی
آل جفنه را استشاق کردی آنک ویرا از آن خبری بوده باشد

عروین قره الجملینی رضی الله عنده

از وی آرد که چون اسلام آورد از رسول صلی الله علیه و آله در خواب
کرد که مرا بتمیز فرست شاید که خدا را بسبب من ایشان را بدست
ایمان مشترب کردانه چنانکه مرا بسبب تو باین دولت شرف کرداید
چون بخدمت رسیدم ما جات کردند چه کسی که کت یا عروین قره
ار الله عیشک که ما را امر فرمائی که ترک خدا یان کنیم و بخالت دین
پدران خود و زبیم و در مذمت عروینتی چنانکه عرو رضی الله
عنه کت الکاذب منی و منکر الله عیشه آن شخصی که کتاب و دینان
وی نریخت و چنان نشد که قطع طعام در بینی یافت و چشم وی کور
و زبان وی لک گشت **آنتان رضی الله عنده** وی در بر من
و صحبت کرد که بر او در دو جا رفتن کند و بر او در دو جا و تیسری